

تأثیر وابستگی به همسر بر احساس گرفتاری و بی‌رمقی زناشویی دانشجویان متاهل

The effect of spouse-specific dependency on entrapment and couple burnout in married students

Arezo Broozi

آرزو بروزی*

Fatemeh Shateryan Mohammadi

فاطمه شاطریان محمدی**

Azadeh Fraghdani

آزاده فرقدانی***

چکیده

Abstract

Based on the importance of sustainability of the relationship between couples, the purpose of this research was conducted to investigate the effect of spouse-specific dependency and gender on entrapment and couple burnout in married students of Islamic Azad University of Qom. Participants included 350 students of Azad University of Qom. Married men and women were enrolled in the years 2015-2016. They were selected by multi-stage cluster sampling and finally 80 students were analyzed for having entered the necessary criteria. Research data using of Spouse-Specific Dependency Scale (Rattus and O'Leary, 1997), involvement scale (Gilbert and Allen, 1996) and Couple Burnout Measurement (Pines, 2006) were collected. Results indicated that spouse-dependency and gender effect on students' couple burnout simultaneously. Role of spouse-specific dependency on couple burnout in married female students were more than married man students ($F=4/2$, $P<0/05$). Couple burnout in married students that have highly spouse-specific dependence was more than married students that have lowly spouse-specific dependency. Gender alone had no effect on couple burnout ($F=0/02$, $P=0/9$). Spouse-specific dependency and gender had no effect on entrapment simultaneously ($F=0/21$, $P=0/65$). Gender alone had no effect on entrapment ($F=1/8$, $P=0/18$). But spouse-specific dependency alone had impact on entrapment ($F=5/6$, $P<0/05$). Then spouse-specific dependency effects on students' couple burnout and entrapment.

Key words: entrapment, gender, couple burnout, spouse-specific dependency

با توجه به اهمیت پایداری رابطه میان زوجین در زندگی مشترک، هدف این پژوهش بررسی تأثیر وابستگی خاص به همسر و جنسیت بر احساس گرفتاری و بی‌رمقی زناشویی در دانشجویان متاهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم است. آزمودنی‌ها در بی‌گیرنده ۳۵۰ نفر از دانشجویان زن و مرد متأهل دانشگاه آزاد قم بود که در سال ۹۴-۹۵ در این دانشگاه مشغول به تحصیل بودند. این افراد به صورت نمونه‌گیری خوشای چند رحله‌ای انتخاب شدند. درنهایت ۸۰ نفر از آنان به خاطر داشتن ملاک لازم وارد تحلیل شدند. داده‌های پژوهش با به کار گیری پرسشنامه‌های وابستگی خاص به همسر راتوس و اوبلری ۱۹۹۸، احساس گرفتاری گلبرت و آلن، ۱۹۹۸ و سنجه بی‌رمقی زناشویی پاینز، ۲۰۰۶، گردآوری شده و با نرم‌افزار spss 18 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها نشان‌گر از آن بود که وابستگی خاص به همسر و جنسیت بر بی‌رمقی زناشویی دانشجویان تأثیر هم‌زمان داشت که نقش وابستگی خاص به همسر بر بی‌رمقی زناشویی در دانشجویان زن متأهل بیشتر از دانشجویان مرد متأهل بود ($F=4/2$, $P<0/05$). بی‌رمقی زناشویی دانشجویان متأهلی که وابستگی بالایی به همسر داشته‌اند بیشتر از دانشجویانی بود که تراز وابستگی به همسر در آنان پایین بود. جنسیت به تهایی تأثیری در بی‌رمقی زناشویی نداشت ($F=0/02$, $P=0/9$). وابستگی خاص به همسر و جنسیت بر احساس گرفتاری دانشجویان تأثیر هم‌زمان نداشت ($F=0/21$, $P=0/65$). جنسیت به تهایی نقشی در تغییرات احساس گرفتاری دانشجویان نداشت ($F=1/8$, $P<0/05$)؛ ولی وابستگی خاص به همسر به طور مستقل بر احساس گرفتاری دانشجویان تأثیر دارد ($F=5/6$, $P<0/05$)؛ بنابراین نتیجه می‌گیریم که وابستگی خاص به همسر در بروز احساس گرفتاری و بی‌رمقی زناشویی تأثیر دارد.

واژگان کلیدی: گرفتاری، جنسیت، بی‌رمقی زناشویی، وابستگی خاص به همسر

*. کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه، ساوه، ایران

**. نویسنده مسئول: دکترای روانشناسی تربیتی، استادیار دانشگاه آزاد، گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه، ساوه، ایران

کد پستی: ۳۷۱۹۹۷۹۴۷۹

تلفن: ۰۹۱۲۲۵۱۶۵۸۵

fshaterian@iau-savех.ac.ir

***. دکترای مشاوره، استادیار دانشگاه آزاد، گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه، ساوه، ایران

مقدمه

بیشتر جوانان امروزی از عشق و ازدواج توقع فراوانی دارند که همین توقعات زمینه مشکلات بسیاری را برایشان فراهم می‌کند. اغلب مردم هنگامی که عاشق می‌شوند امیدوارند که عشقشان همیشگی و جاویدان باشد و این امیدواری آنچنان نیرومند است که می‌تواند باعث شود که افراد چشم‌های خود را بر روی حقایق بینند و پس از چند گاهی هنگامی این افراد با واقعیت‌های زندگی و مشکلات هر روزه رود و رو می‌شوند درمی‌یابند که عشق رؤیایی آن‌ها نتوانسته است به زندگی شان معنا بیخشد و همین نبود هماهنگی میان توقعات و واقعیت منجر به بی‌رقی زناشویی می‌گردد (پاینز، ۲۰۰۶). آغاز بی‌رقی به‌ندرت ناگهانی است و معمولاً تدریجی و به‌سختی از یک پدیده ناگوار و ناراحت کننده ناشی می‌شود (نیم، ۱۳۹۱). در واقع، بی‌رقی زناشویی، حالت دردناک فرسودگی جسمی، عاطفی و روانی است که زوج‌های متوجه را متأثر می‌سازد. این حالت هنگامی بروز می‌کند که آن‌ها متوجه می‌شوند علی‌رغم کوشششان، رابطه آن‌ها به زندگی معنا نداده و نخواهد دارد. بی‌رقی زناشویی از عدم تناسب میان واقعیات و توقعات، ناشی می‌شود و تراز آن به تراز سازگاری زوج‌ها و باورهایشان بستگی دارد. بی‌رقی با فروپاشی رابطه و با رشد آگاهی و توجه به چیزهایی که به‌اندازه گذشته خواشایند نیستند، شروع می‌شود و اگر در این مرحله کاری برای جلوگیری از پیشرفت این روند صورت نگیرد، همه چیز از مرحله بد، بدتر می‌شود (پاینز، ۲۰۰۶). رضایت از زندگی زناشویی مهم‌ترین رکن سلامت روانی خانواده در گروه‌های مختلف خصوصاً جوانان است لذا، توجه به عوامل مؤثر در نارضایتی و دلسردی از زندگی زناشویی در جامعه دانشجویی که به‌واسطه تحصیلات خود سطح توقعات بالاتری از ازدواج هم دارند از اهمیت خاصی برخوردار است.

یکی از جدیدترین رویکردهایی که در تبیین اختلال افسردگی ارائه شده است نظریه احساس گرفتاری است (گیلبرت و آلن^۱، ۲۰۰۸). این احساس باعث مسائلی همچون بی‌رقی در روابط زناشویی می‌شود (گیلبرت، ۲۰۰۹)، احساس گرفتاری یا احساس به تله افتادن، نوع خاصی از تفکر و احساس است که به تله یا دام افتادن انسان در موقعیتی که تمایل به دوری از آن دارد، اطلاق می‌شود (گیلبرت و آلن، ۲۰۰۸). همچنین احساس گرفتاری به عنوان توقف اجبار گونه فعالیت انسان که همواره رو به افزایش است (آرنولد

1.Gilbert & Allan

والشکی^۱، ۲۰۱۳) و ناتوانی فرد در فرار و گریز از موقعیت تعریف می‌شود (تراشل و همکاران^۲، ۲۰۱۰). فردی که احساس گرفتاری را تجربه می‌کند تصور می‌کند رفتارهای دفاعی وی فاقد کارای است (گیلبرت، ۲۰۰۹) ولذا، تمایل گریز از موقعیت جاری دارد؛ در عین حال فکر می‌کند تمام راههای ممکن برای فائق آمدن وی بر این موقعیت مسدود شده است (گیلبرت و الن، ۲۰۰۸). پژوهش‌ها نشان داده است که احساس گرفتاری با اشکال مختلف اختلالات روانی از قبیل افسردگی (گیلبرت، ۲۰۰۹)، خودکشی، اختلال استرس پس از سانحه و سایر اختلالات اضطرابی رابطه دارد (تیلور و همکاران^۳، ۲۰۱۰). میدانو کی و همکاران (۲۰۱۰) وابستگی مشترک و سلامت روان را در دانشجویان رفاه اجتماعی مورد بررسی قراردادند. نتایج نشان داد که میان وابستگی و سلامت روان و افسردگی رابطه معنی‌دار وجود دارد. سوسان^۴ (۲۰۰۹) وابستگی هیجانی زنان را نسبت به مردان مورد سنجش قرار داد. نتایج نشان داد که وابستگی هیجانی زنان با مردان با وابستگی مردان به زنان تفاوت دارد. همچنین، یافته‌ها نشان داد که وابستگی هیجانی به طور منفی با سن، تحصیلات و نگرش‌های فمینیستی رابطه داشتند و در زنان شاغل کمتر بود.

وابستگی هیجانی^۵ را می‌توان به عنوان مجموعه‌ای رفتارهای ناسازگارانه و وسوسی دید که شخص فرامی‌گیرد تا در خانواده‌ای که درد و استرس هیجانی فوق العاده‌ای را تجربه می‌کند، مثل اعضای الکلی خانواده یا دیگر اعتیادها، سوءاستفاده جنسی و یا سایر بدرفتاری‌های در خانواده یا اعضای مبتلا به بیماری‌های مزمن یک خانواده، روزگار را سپری کند. افراد وابسته تمایل شدیدی به ورود رابطه با افرادی را دارند که به لحاظ هیجانی در دسترس و نیازمند هستند و تلاش می‌کنند تا یک رابطه را کنترل کنند، بدون آنکه نیازها و تمایلات خود را ابراز کنند و در یک حالت عدم کامروایی مداوم قرار می‌گیرند. آن‌ها سعی می‌کنند از شخصی که دچار یک وضعیت بحرانی است، مراقبت کنند و لی مراقبت و توجه به یک وسوس و ناکامی تبدیل می‌شود. در واقع این نوع وابستگی رابطه‌ای است که با زندگی کردن به خاطر کنترل دیگران، حل کردن مشکل دیگران و نگرانی ییش از حد درباره صمیمیت مشخص می‌شود و هنگامی

1.Arnold, Elsheikh

2.Trachsel et al

3.Taylor et al

4.Susan

5.emotional dependency

رخ می‌دهد که شخص (همسر، شریک زندگی) با رفتارهای اعتیاد گونه و ناکارآمدش، افکار و احساسات و رفتار اشخاص دیگر را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد (یانگ، ریگ، وین برگر و بک^۱، ۲۰۰۸). همچنین، دوگان^۲ (۲۰۱۰) وابستگی و سلامت روان و افسردگی را بر روی زوجینی که یکی از طرفین دچار افسردگی بود بررسی کردند و نتایج مشخص کرد که وابستگی یک صفت فردی است. در زوج‌هایی که یکی از طرفین افسرده است، وابستگی، افسردگی بیشتر، شناخت‌های منفی و اضطراب را پیش‌بینی کرده و انسجام پایین‌تر و خشنودی رابطه‌ای پایین‌تر را نیز پیش‌بینی می‌کند و درنتیجه با سلامت روان رابطه منفی وجود دارد. در پژوهشی دیگر، میدانوکی، ناگاتومو، تانگایوکو و میرا^۳ (۲۰۱۰) وابستگی مشترک و سلامت روان را در دانشجویان رفاه اجتماعی موردنبررسی قراردادند. نتایج نشان داد که میان وابستگی، سلامت روان و افسردگی رابطه معنی‌دار وجود دارد.

با توجه به پیامدهای احساس وابستگی (دوگان، ۲۰۱۳؛ میدانوکی و همکاران، ۲۰۱۰)، به نظر می‌رسد این عامل در تبیین متغیرهایی از قبیل بی‌رمقی زناشویی^۴ و احساس گرفتاری^۵ نقش داشته باشد. پژوهش‌های مختلف نشان داده‌اند که وابستگی خاص به همسر دارای پیامدهای مختلفی است. باتی^۶ (۲۰۰۸) معتقد است افرادی که وابستگی زیادی را احساس می‌کنند معمولاً اصول خاصی را برای خود وضع می‌کنند و بر اساس این اصول عمل می‌کنند. اصولی از قبیل صحبت نکردن، اعتماد نداشتن، اهمیت بیشتر به نیازهای دیگران نسبت به نیازهای خود. لذا، این اصول می‌تواند رشد سالم و آزاد عزت‌نفس و مهارت‌های مقابله‌ای را محدود سازد. در پژوهشی دیگر، بختیار پور و عامری (۱۳۸۸) نشان دادند که میان وابستگی خاص به همسر و باورهای غیرمنطقی با بی‌رمقی زناشویی دیران رابطه مثبت معنی‌دار وجود دارد.

از آنجایی که خانواده و پایداری روابط در میان زوجین از اهمیت خاصی برخوردار است و از آنجاکه در زمینه وابستگی خاص به همسر و تأثیر آن بر بی‌رمقی و احساس گرفتاری پژوهش‌های محدودی صورت پذیرفته است، در این پژوهش بر آنیم که به سؤالات زیر پاسخ دهیم:

1. Young, Rygh, Weinberger & Beck

2. Duggan

3. Maeda Naoki, Nagatomo, Tanaka Yoko and Miura Hiroko

4. Couple Burnout

5. Entrapment

6. Beattie

آیا وابستگی خاص به همسر می‌تواند احساس گرفتاری و بی‌رمقی زناشویی را تحت تأثیر قرار دهد؟

آیا جنسیت بر احساس گرفتاری و بی‌رمقی زناشویی تأثیر دارد؟

آیا وابستگی و جنسیت اثر تعاملی بر احساس گرفتاری و بی‌رمقی زناشویی دارد؟

روش

روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع علی مقایسه‌ای است. برای نمونه‌گیری جامعه‌ی موردنظر ما کلیه دانشجویان زن و مرد متاهل دانشگاه آزاد واحد قم بود که این تعداد بالغ بر ۱۳۰۰۰ نفر بودند. برای برآورده حجم نمونه از جدول مورگان استفاده شد که درنهایت حجم نمونه ۳۵۰ نفر به دست آمد (البته تعداد بیشتری پرسشنامه میان دانشجویان توزیع شد تا این حجم پرسشنامه کامل پوشیده به دست آید). این پژوهش در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ در دانشگاه آزاد قم انجام شده است.

روش نمونه‌گیری در این پژوهش به صورت خوش‌های چندمرحله‌ای بود به این صورت که از میان دانشگاه‌های واقع در استان قم، دانشگاه آزاد اسلامی انتخاب شد و از بین دانشکده‌های علوم انسانی، علوم پایه و علوم پزشکی این دانشگاه دانشکده علوم انسانی به صورت تصادفی انتخاب و از میان رشته‌های علوم سیاسی، حقوق، روانشناسی، حسابداری، الهیات، زبان انگلیسی و مدیریت این دانشگاه رشته روانشناسی، حقوق و حسابداری انتخاب شدند. پرسشنامه‌ها سر کلاس‌های این سه رشته میان دانشجویان متأهل به تعداد ۳۸۶ نفر توزیع شد. تعداد ۲۶ پرسشنامه به علت مخدوش بودن از تحلیل‌ها کنار گذاشته شد.

ابزار

سنجه وابستگی خاص به همسر^۱. یکی از ابزارهای مورد به کار گیری در این پژوهش سنجه وابستگی خاص به همسر راتوس^۲ و اولیری^۳ (۱۹۹۷) بود که دربرگیرنده ۳۰ سؤال و سه خرده سنجه (دلبستگی

1. Spouse-Specific Dependency Scale
2. Ratus
3. O'Leary

مضطربانه^۱: سوالات ۱ تا ۱۰، وابستگی منحصر به فرد^۲: سوالات ۱۰ تا ۲۰ و وابستگی هیجانی^۳: سوالات ۲۰ تا ۳۰ است. این سنجه پنج گزینه‌ای است. نمره بالا (یک انحراف معیار بالای میانگین) در این سنجه نشانه وابستگی خاص به همسر و نمره پایین (یک انحراف معیار پایین میانگین) نشانه رابطه بهنجار و طبیعی با همسر است (عامری، ۱۳۸۸؛ به نقل از بختیار پور، نادری و عامری، ۱۳۸۸). روایی هم‌زمان این سنجه در پایان‌نامه عامری (۱۳۸۸؛ به نقل از بختیار پور، نادری و عامری، ۱۳۸۸) با سنجه سبک مضطرب دو سوگراي ايمن سيمپون برابر ۷۷/۰ و پايابي آن به روش آلفای کرونباخ و تنصيف به ترتيب ۸۴/۰ و ۸۱/۰ به دست آمد. در پژوهش حاضر تراز آلفای کرونباخ برای کل سنجه ۹۰/۰ به دست آمد.

پرسشنامه احساس گرفتاری گیلبرت و آلن^۴: دومین ابزار مورداستفاده بود که دربر گیرنده ۱۶ سؤال است و برای اندازه‌گیری حالت‌های به تله افدادن و تمایل فرار از آن طراحی شده است. این پرسشنامه دارای دو خرده سنجه دربر گیرنده گرفتاری بیرونی و رفتاری درونی است. گرفتاری بیرونی مربوط به واقعی و یا شرایط بیرونی و محیطی بوده و دربر گیرنده سوالات ۱ تا ۱۰ است و گرفتاری درونی شرایط داخلی مانند افکار درونی و احساسات را در بر گرفته و دربر گیرنده سوالات ۱۱ تا ۱۶ است (ویلیامز^۵ و همکاران، ۱۹۹۶). شرکت کنندگان بر اساس حالات و هیجاناتی که در طول یک هفته گذشته داشته‌اند باید به پرسشنامه پاسخ می‌دادند. این پرسشنامه در طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای نمره گذاری می‌شود. نمره بالاتر تراز احساس گرفتاری بیشتر فرد را بیان می‌کند. روایی سازه این سنجه با به کار گیری از روش تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی منجر به استخراج و تأیید دو عامل گرفتاری بیرونی و درونی شد. ضریب پایابی سنجه با به کار گیری از روش آلفای کرونباخ برای کل سنجه ۹۲/۰ و برای خرده سنجه گرفتاری بیرونی ۸۷/۰ و خرده سنجه گرفتاری درونی ۸۸/۰ به دست آمد (قمرانی، سیادیان و پیشداد، ۱۳۹۲). در این پژوهش آلفای کل پرسشنامه ۹۱/۰ به دست آمد.

-
- 1.anxious attachment
 - 2.exclusive dependency
 - 3.emotional dependency
 - 4.Gilbert, Allan
 - 5.Williams

پرسشنامه بی رمقی زناشویی^۱ زوجین. به منظور اندازه‌گیری این سازه از سنجه ۲۰ سؤالی بی رمقی زناشویی پاینژ^۲ به کار گیری شده است. در این سنجه، نمرات بالا نشان دهنده بی رمقی بیشتر است. برای تفسیر نمره‌ها باید آن‌ها را تبدیل به درجه کرد که این عمل از طریق تقسیم نمودن نمره‌ی حاصل شده از پرسشنامه بر تعداد سؤالات به دست می‌آید (پاینژ، ۲۰۰۶). روایی این سنجه با به دست آمدن همبستگی‌های منفی با ویژگی‌های ارتباطی مثبت به تأیید رسیده است مانند نظر مثبت در مورد ارتباط، کیفیت مکالمه، احساس امنیت، خود شکوفایی، احساس هدفمندی، کشش و جاذبه عاطفی به همسر و کیفیت رابطه جنسی آن‌ها. نسخه‌های ترجمه شده CBM به طور موقیت‌آمیزی در مطالعات میان فرهنگی در نروژ، مجارستان، مکزیک، اسپانیا، پرتغال و فلاند استفاده شده است (پاینژ، ۲۰۰۶؛ ترجمه گوهرباد و افشاری، ۱۳۹۲).

ضریب اطمینان آزمون – باز آزمون این سنجه برای یک دوره یک‌ماهه ۰/۸۹، برای یک دوره دو‌ماهه ۰/۷۶ و برای دوره چهار‌ماهه ۰/۶۶ به دست آمده است. همسانی درونی برای اغلب آزمودنی‌ها با ضریب ثابت آلفا سنجیده شد که میان ۰/۹۱ تا ۰/۹۳ بود (پاینژ، ۱۹۹۶؛ ترجمه شاداب، ۱۳۸۱). در ایران نیز نویدی (۱۳۸۴) الفا کرونباخ این پرسشنامه را در مورد ۲۴۰ نمونه ۱۲۰ پرستار و ۱۲۰ معلم اندازه‌گیری کرد که مقدار این ضریب ۰/۸۶ به دست آمد (نویدی، ۱۳۸۴). در پژوهش حاضر تراز آلفای کرونباخ ۰/۸۸ به دست آمد.

شیوه اجرای پژوهش

این پژوهش بر روی دانشجویان متأهل اجراشده است پس در اولین قدم محققین پس از اطمینان از تأهل دانشجویان و اطمینان دادن به ایشان در مورد محرمانه بودن پاسخ‌ها پرسشنامه‌ها را میان آنان توزیع کردند. با جلب همکاری ایشان پرسشنامه‌ها در بین دانشجویان کلیه مقاطع و دو جنس در سال تحصیلی ۹۵-۹۴ توزیع گردید. داده‌های حاصل با به کار گیری نرمافزار اس بی اس و با استفاده از آزمون تحلیل واریانس دومتغیره، به جهت آزمون فرضیات پژوهش، مورد تحلیل قرار گرفت.

1. couple burnout questionnaire
2. Pinze

یافته‌ها

در ابتدا میانگین و انحراف استاندارد کلیه متغیرهای پژوهش گزارش می‌شود.

جدول ۱. میانگین و انحراف استاندارد وابستگی خاص به همسر

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
وابستگی خاص به همسر	۳۵۰	۹۶/۹۶	۱۹/۸۷

جدول ۱ نشان می‌دهد، میانگین و انحراف استاندارد «وابستگی به همسر» در نمونه اولیه، به ترتیب برابر با ۹۶/۹۶ و ۱۹/۸۷ برآورد شده است؛ بنابراین جهت طراحی مدل تجربی پژوهش، دانشجویانی که نمرات آن‌ها میان یک انحراف استاندارد بالا و پائین میانگین (نقاط برش پرسشنامه) بود (افراد دارای وابستگی متوسط) حذف و بقیه آزمودنی‌ها در دو گروه دانشجویان با «وابستگی پائین به همسر» و دانشجویان با «وابستگی بالا به همسر» جایگزین شدند (نمرات بالای ۱۱۷ و پائین تراز ۷۷). این نتایج به تفکیک جنسیت، در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول ۲. جدول فراوانی وابستگی خاص به همسر بر اساس جنس

جنس	وابستگی به همسر	وابستگی پائین	وابستگی بالا	کل
زن	(۴۵/۷)۲۱	(۵۴/۳)۲۵	(۴۰/۴)۳۱	۴۶
مرد	(۵۹/۶)۳۱	(۴۰/۴)۳۱	(۵۴/۳)۲۵	۵۲
کل	(۵۶)۵۲	(۴۴)۴۶	(۴۰/۴)۳۱	۹۸

بر اساس اطلاعات جدول ۲، پس از حذف یک انحراف استاندارد بالا و پائین میانگین مربوط به یکی از متغیرهای مستقل (وابستگی به همسر) تعداد آزمودنی‌ها به ۹۸ نفر کاهش یافت، به طوری که ۵۴/۳ درصد از زنان دارای «وابستگی بالا به همسر» بودند، در حالی که این رقم در خصوص مردان به ۴۰/۴ درصد کاهش یافته است. با توجه به اینکه یکی از مفروضه‌های اصلی طرح تحلیل واریانس عاملی، یکسان بودن تعداد مشاهده‌ها در همه ترکیب‌های ممکن کاربندی است؛ بنابراین در مرحله نهایی انتخاب نمونه، تعداد ۸۰ نفر از دانشجویان به گونه‌ای انتخاب شدند که در هر یک از کاربندی‌ها تعداد مساوی از آزمودنی‌ها باشند، مدل تجربی مطالعه حاضر در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول ۳. طرح عاملی (مدل تجربی) پژوهش

وابستگی خاص به همسر			
کل	وابستگی بالا	وابستگی پائین	
۴۰	۲۰	۲۰	زن
۴۰	۲۰	۲۰	مرد
			کل
	۴۰	۸۰	

پس از انتخاب نهایی نمونه، پرسشنامه‌های «احساس گرفتاری» و «بی‌رمقی زناشویی» روی آن‌ها اجرا گردید.

جدول ۴. میانگین و انحراف استاندارد احساس گرفتاری بر اساس وابستگی به همسر و جنسیت (n=۸۰)

وابستگی خاص به همسر								متغیر وابسته	
کل	وابستگی بالا		وابستگی پائین		جنس				
SD	M	SD	M	SD	M				
۷/۴	۴۸/۱۴	۵/۸	۴۹/۹	۸/۳	۴۶/۶۷	زن	گرفتاری احساس		
۸	۴۶/۲۸	۶/۲	۴۸/۴	۹/۴	۴۳/۶۳	مرد			
۷/۷	۴۷/۳	۶	۴۹/۲	۸/۸	۴۵/۴۵	کل			

بر اساس اطلاعات جدول بالا میانگین «احساس گرفتاری» در دانشجویان با «وابستگی بالا به همسر»، بیشتر از دانشجویانی است که «وابستگی پائینی به همسر» دارند. با این وجود تفاوت قابل توجه ای میان دانشجویان متاهل زن و مرد مشاهده نمی‌شود.

جدول ۵. میانگین و انحراف استاندارد بی‌رمقی زناشویی بر اساس وابستگی به همسر و جنسیت (n=۸۰)

وابستگی خاص به همسر								متغیر وابسته	
کل	وابستگی بالا		وابستگی پائین		جنس				
SD	M	SD	M	SD	M				
۱۷/۰۹	۴۴/۶۳	۱۴	۵۳/۵۵	۱۶	۳۷/۲۱	زن	بی‌رمقی زناشویی		
۱۹/۵	۴۵/۸۹	۱۸/۳	۴۶	۲۱/۵	۴۵/۷۵	مرد			
۱۸/۱	۴۵/۲	۱۶/۶	۴۹/۷۸	۱۸/۷	۴۰/۶۳	کل			

تأثیر وابستگی به همسر بر احساس گرفتاری و بی‌رمقی زناشویی ...

جدول ۵ نشان می‌دهد که آزمودنی‌هایی که دارای «وابستگی بالایی به همسر» هستند، در پرسشنامه «بی‌رمقی زناشویی» نیز نمره بالاتری را به دست آورده‌اند، همچنین تغییرات نمره «بی‌رمقی زناشویی» در دانشجویان متأهل زن، بیشتر از دانشجویان متأهل مرد است.

بررسی فرضیات پژوهش: فرضیه ۱: وابستگی خاص به همسر بر احساس گرفتاری دانشجویان متأهل مؤثر است.

فرضیه ۲: جنسیت بر احساس گرفتاری دانشجویان متأهل مؤثر است.

فرضیه ۳: وابستگی خاص به همسر و جنسیت بر احساس گرفتاری دانشجویان متأهل تأثیر هم‌زمان دارد. با توجه به ماهیت پژوهش، هر ۳ فرضیه بالا با به کار گیری تحلیل واریانس عاملی (دوراهه) مورد آزمون قرار گرفت.

ابتدا مفروضه همگنی واریانس گروه‌ها با به کار گیری آزمون لوین مورد بررسی قرار گرفت که نتایج آن در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول ۶. خلاصه آزمون لوین جهت بودسی همگنی واریانس گروه در متغیر احساس گرفتاری

سطح معناداری	درجه آزادی ۲	درجه آزادی ۱	F
۰/۱۳	۷۶	۳	۱/۹۴

نتایج جدول بالا نشان می‌دهد که سطح معنی‌داری آزمون بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است، یعنی همگنی واریانس‌ها تائید می‌گردد.

جدول ۷. خلاصه آزمون اثر اصلی و تعاملی متغیرهای مستقل بر احساس گرفتاری

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	نسبت F	سطح معناداری اثر	اندازه
شدید مدل تصحیح	۳۸۵/۱	۳	۱۲۸/۴	۲/۳	۰/۰۹	۰/۰۸۳
عرض از مبدأ	۱۷۴۲۰/۴۸	۱	۱۷۴۲۰/۴۸	۳۰/۹۳/۶	۰/۰۱	۰/۹۷۶
اثر اصلی وابستگی خاص به همسر	۳۱۴/۱	۱	۳۱۴/۱	۵/۶	۰/۰۲	۰/۰۶۸
اثر اصلی جنسیت	۱۰۱/۰۳	۱	۱۰۱/۰۳	۱/۸	۰/۰۲۳	۰/۰۲۳
اثر تعاملی جنسیت و وابستگی به همسر	۱۱/۶	۱	۱۱/۶	۰/۲۱	۰/۰۸۵	۰/۰۰۳
خطا	۴۲۷۹/۷	۷۶	۵۶/۳			
کل	۱۸۳۶۴۸	۸۰				

اولین فرضیه‌ای که باید در آنالیز عاملی آزمون شود، اثرات متقابل ۱ عامل هاست. چنانکه در جدول بالا ملاحظه می‌گردد، سطح معنی‌داری F مربوط به اثر تعاملی «جنسیت» و «وابستگی خاص به همسر» بزرگتر از 0.05 است ($F_{(1,76)} = .21$ ، $P = .65$) بنابراین، شواهد کافی برای رد فرضیه صفر وجود ندارد. از این‌روی می‌توان گفت «وابستگی خاص به همسر و جنسیت بر احساس گرفتاری دانشجویان متأهل تأثیر هم‌زمان ندارد (عدم تائید فرضیه سوم).

باین وجود اثر اصلی «وابستگی خاص به همسر» در سطح 0.05 معنی‌دار است ($F_{(1,76)} = 5.6$ ، $P = .02$). به عبارت دیگر «احساس گرفتاری» در دانشجویان با «وابستگی بالا به همسر» و دانشجویان با «وابستگی پائین به همسر» یکسان نیست. به طوری که از مقایسه میانگین‌های جدول ۴ استنباط می‌شود، «احساس گرفتاری» دانشجویانی که داری «وابستگی پائینی به همسر هستند»، کمتر از دانشجویانی است که «وابستگی بالایی» به همسر خوددارند (تائید فرضیه اول). اندازه اثر نیز نشان می‌دهد که تقریباً $6/8$ درصد از واریانس «احساس گرفتاری» از طریق انتساب به گروه‌ها قابل تبیین است.

همچنین اطلاعات جدول نشان می‌دهد که اثر اصلی «جنسیت» بزرگ‌تر از 0.05 است ($F_{(1,76)} = 1.8$ ، $P = .18$)؛ یعنی «جنسیت» به تنهایی، نقشی در تغییرات «احساس گرفتاری» دانشجویان ندارد (عدم تائید فرضیه دوم).

فرضیه ۴: «وابستگی خاص به همسر بر بی‌رمقی زناشویی دانشجویان متأهل مؤثر است.

فرضیه ۵: جنسیت بر بی‌رمقی زناشویی دانشجویان متأهل مؤثر است.

فرضیه ۶: «وابستگی خاص به همسر و جنسیت بر بی‌رمقی زناشویی دانشجویان متأهل تأثیر هم‌زمان دارد.

فرضیه‌های بالا نیز توسط تحلیل واریانس دو عاملی مورد آزمون قرار گرفت.

جدول ۸ خلاصه آزمون لوین جهت بررسی همگنی واریانس گروه در متغیر بی‌رمقی زناشویی

سطح معناداری	درجه آزادی ۲	درجه آزادی ۱	F
$.223$	۷۶	۳	$1/5$

آزمون لوین همگنی واریانس‌ها را موردنبررسی و تائید قرار داد.

جدول ۹. خلاصه آزمون اثر اصلی و تعاملی متغیرهای مستقل بر بی‌رمقی زناشویی

منبع تغییرات	شده مدل تصحیح						
	اندازه	سطح	نسبت	میانگین	درجه	مجموع	
اثر	معنی‌داری	F	مجذورات	آزادی	مجذورات		
عرض از مبدأ							
اثر اصلی وابستگی به همسر	۰/۱۱۴	۰/۰۳	۳/۲	۹۸۱/۶	۳	۲۹۴۴/۹	
اثر اصلی جنسیت	۰/۸۷۶	۰/۰۱	۵۳۹/۱	۱۶۳۱۴۷/۶	۱	۱۶۳۱۴۷/۶	
اثر تعاملی وابستگی به همسر و جنسیت	۰/۰۵۵	۰/۰۴	۴/۵	۱۳۴۸/۳	۱	۱۳۴۸/۳	
خطا	۰/۰۱	۰/۹	۰/۰۲	۴/۸	۱	۴/۸	
کل	۰/۰۵۲	۰/۰۴۴	۴/۲	۱۲۶۸/۳	۱	۱۲۶۸/۳	
			۳۰۲/۶	۷۶	۲۲۹۹۹/۹		
				۸۰	۱۸۹۳۸۸		

نتایج جدول بالا نشان می‌دهد که اثر تعاملی «وابستگی خاص به همسر» و «جنسیت» بر «بی‌رمقی زناشویی» دانشجویان متأهل در سطح ۰/۰۵ معنی‌دار است ($F_{(1,76)} = 4.2$ ، $P = .044$)؛ بنابراین می‌توان فرضیه صفر را در ۵ درصد به نفع فرضیه تحقیق رد کرده و با ۹۵ درصد اطمینان پذیرفت که «وابستگی خاص به همسر» و «جنسیت» بر «بی‌رمقی زناشویی» دانشجویان متأهل تأثیر هم‌زمان دارد (تائید فرضیه ششم). به طوری که تراز این اثر برابر با ۵/۲ درصد برآورد شده است. مقایسه میانگین گروه‌ها در جدول ۵ نیز نشان می‌دهد که میانگین «بی‌رمقی زناشویی» دانشجویان متأهل زن، با وابستگی بالا به همسر، بیشتر از دانشجویان متأهل مرد است؛ یعنی نقش «وابستگی خاص به همسر» بر «بی‌رمقی زناشویی» در دانشجویان متأهل زن، بیشتر از دانشجویان متأهل مرد است.

همچنین اثر اصلی «وابستگی خاص به همسر» بر «بی‌رمقی زناشویی» نیز در سطح ۰/۰۵ معنی‌دار است ($F_{(1,76)} = 4.5$ ، $P = .04$). (تائید فرضیه چهارم). به طوری که اطلاعات جدول ۵ نیز نشان می‌دهد «بی‌رمقی زناشویی» دانشجویان متأهلی که وابستگی بالایی به همسر دارند، بیشتر از دانشجویانی است که تراز «وابستگی به همسر» در آن‌ها پائین است؛ و این درحالی که است که سطح معنی‌داری اثر اصلی «جنسیت» بر «بی‌رمقی زناشویی» بزرگ‌تر از ۰/۰۵ گزارش شده است ($F_{(1,76)} = .02$ ، $P = .9$)؛ یعنی «جنسیت» تأثیری در «بی‌رمقی زناشویی» دانشجویان متأهل ندارد (عدم تائید فرضیه پنجم).

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که وابستگی خاص به همسر بر احساس گرفتاری دانشجویان متأهل تأثیر دارد؛ بدین معنی که احساس گرفتاری در دانشجویان با وابستگی بالا به همسر و دانشجویان با وابستگی پائین به همسر یکسان نیست. به طوری که احساس گرفتاری دانشجویانی که داری وابستگی پائینی به همسر هستند، کمتر از دانشجویان متأهل تأثیر ندارد؛ بدین معنی که احساس گرفتاری دانشجویان متأهل مرد و بر احساس گرفتاری دانشجویان متأهل تأثیر ندارد؛ جنسیت و وابستگی خاص به همسر خود دارند. همچنین جنسیت به تهایی همسر هستند، کمتر از دانشجویانی است که وابستگی بالایی به همسر خود دارند. همچنین جنسیت به تهایی زن می‌تواند به یک تراز باشد. جنسیت و وابستگی خاص به همسر بر احساس گرفتاری دانشجویان متأهل تأثیر تعاملی ندارند؛ بدین معنی که وابستگی خاص به همسر و جنسیت بر احساس گرفتاری دانشجویان متأهل تأثیر هم‌زمان ندارد.

مرور پژوهش‌های پیشین بر این امر تأکید دارد که نقش وابستگی خاص به همسر بر احساس گرفتاری متأهله‌ین مورد توجه پژوهشگران نبوده است و در راستای یافته‌های این مطالعه، پژوهشی با بررسی منابع گوناگون، یافت نشده است؛ ولی در پژوهش‌هایی نسبتاً مشابه با این پژوهش، دو گان (۲۰۱۰) وابستگی و سلامت روان و افسردگی را بر روی ۷۸ زوج که یکی از طرفین دچار افسردگی بود را بررسی کردند و نتایج مشخص کرد در زوج‌هایی که یکی از طرفین افسرده است، وابستگی، افسردگی بیشتر، شناخت‌های منفی و اضطراب را پیش‌بینی کرده و انسجام پایین‌تر و خشنودی رابطه‌ای پایین‌تر را نیز پیش‌بینی می‌کند و در تیجه با سلامت روان رابطه منفی وجود دارد.

رابرت و همکاران (۲۰۰۹) در مطالعه خود عنوان نمودند فردی که احساس گرفتاری را تجربه می‌کند تصور دارد رفتارهای دفاعی وی فاقد کارایی بوده و افسردگی در زندگی وی غالب گشته و نقش همسر بودن خود را به درستی به انجام نمی‌رساند. مظاهر زندگی اجتماعی انسان، وجود تعامل‌های سالم و سازنده میان انسان‌ها و برقرار بودن عشق به همنوع و ابراز صمیمیت و همدلی به یکدیگر است. هنگامی که دو نفر در یک ارتباط وابسته به یکدیگر قرار می‌گیرند هر یک بر دیگری قدرت برآوردن سلامتی و نیازهای رفاهی اش را می‌دهند ولی هنگامی که دو نفر به یکدیگر هم وابسته می‌شوند هر یک به دیگری قدرتی را می‌دهند که حس اعتماد به نفس دیگری را تحت کنترل قرار می‌دهد (اشرف، ۱۳۸۸). فرد وابسته به دیگران تکیه کرده و از توانایی فکر و اندیشه خود استفاده نمی‌کند. او بدون فکر در تمامی امور زندگی از دیگران تقلید کرده و

از آن‌ها فرمانبرداری می‌کند. این زوجین نمی‌توانند بدون توجه به سلامت و نیازهای اساسی خود به طور مسئولانه‌ای تنها به زوج و مراقبت از او مشغول شود. بر روی احساسات خود سرپوش می‌گذارد و خواسته‌ای خود را مطرح نمی‌کند، زیرا تنها به احساس و خواسته‌ای فرد دیگر توجه دارد. بدین ترتیب با توجه موارد بیان شده می‌توان عنوان داشت از آنجایی که زوجین وابسته عزت نفس پایینی دارند، ترس از تنهایی زیادی دارند، احساس نایامنی شدیدی را تجربه می‌نمایند، از هویت مستقلی برخوردار نمی‌باشند، تفری از اقتدار طلبی داشته و به بیماری‌های جسمانی مرتبط با استرس مانند اختلالات معده‌ای، روده‌ای، زخم معده و ... بیشتر مبتلا می‌شوند و خودنازرنده سازی، انگیزه پایین و بدینین به آینده از دیگر ویژگی‌های آن‌ها است، می‌توان انتظار داشت که این افراد مستعد احساس گرفتاری بیشتر در رابطه با همسر باشند.

فردی که احساس گرفتاری را تجربه می‌کند تصور دارد رفتارهای دفاعی وی فاقد کارایی بوده و لذا تمایل به گریز از موقعیت جاری دارد؛ در عین حال فکر می‌کند تمام راه‌های ممکن برای فائق آمدن وی بر این موقعیت مسدود شده است (گیلبرت و آلن ۲۰۰۸)؛ بدین ترتیب زوجینی که وابستگی خاص بالایی به همسر خود دارند، احساس می‌کنند در روابطی قرار گرفته‌اند که از طرفی نمی‌توانند نیازهای بنیادین روانی خود را ارضاء نمایند و هویت مستقلی داشته باشند و رضایت درونی از خود داشته باشند و از طرفی قادر به رهایی از این رابطه نمی‌باشند.

به بیان دیگر در تبیین این یافته می‌توان بر نظریه طرح واره تأکید نمود، در این نظریه بر ۵ نیاز بنیادی تأکید شده است که یکی از این نیازها، نیاز به خودمختاری است و چنانچه این نیاز بر طرف نشود، طرح واره‌هایی منطبق بر این نیاز شکل می‌گیرد که به حوزه عملکرد و خودگردانی مختلف اطلاق شده است (حمید پور و اندوز، ۱۳۸۶). بیمارانی که طرح واره وابستگی – بی کفایتی دارند احساس می‌کنند بدون کمک جدی دیگران نمی‌توانند از عهده‌ی مسؤولیت‌های روزمره‌شان برآیند. به عنوان مثال، آن‌ها احساس می‌کنند توانایی کسب درآمد، حل مشکلات، خوب قضاوت کردن، به عهده گرفتن وظایف جدید تصمیم‌گیری درست را ندارند (حمید پور و اندوز، ۱۳۸۶).

همچنین بیمارانی که طرح واره خود تحول نیافته – گرفتار دارند، اغلب در خصوص ارتباطشان با یکی یا چند نفر از افراد مهم زندگی شان (اغلب والدین)، بیش از حد اشتغال ذهنی دارند و به همین دلیل، فردیت و رشد اجتماعی بیماران به آن‌ها وابسته است. این بیماران، سخت معتقدند که حداقل یکی از افراد این رابطه،

نمی‌تواند بدون دیگری به زندگی ادامه دهد. این طرح‌واره غالب خود را به صورت احساس پوچی و سردرگمی، جهت نداشتن و بی‌هدفی و یا در موارد شدید به صورت شک و تردید در موجودیت و ساختار وجودی فرد بروز می‌دهد. این طرح‌واره ممکن است احساساتی مثل غرق در شخصیت طرف مقابل شدن، فقدان هویت و بی‌هدف بودن زندگی را در برگیرد (حمید پور و اندوز، ۱۳۸۶). بدین روی می‌توان گفت که زوجینی وابستگی خاص شدیدتری به همسر خود دارند، احتمالاً دارای طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه خودگردانی مختل می‌باشند و بدین ترتیب با توجه به اینکه این طرح‌واره‌ها می‌توانند بر تمام شمول زندگی تأثیر گذاشته و به درماندگی فرد بیانجامد، این دانشجویان متأهل گرفتاری بیشتری را احساس خواهند نمود.

همچنین نتایج حاصل از بررسی داده‌ها نشان می‌دهد که وابستگی خاص به همسر بر بی‌رمقی زناشویی دانشجویان متأهل تأثیر دارد؛ بدین معنی که بی‌رمقی زناشویی در دانشجویان با وابستگی بالا به همسر و دانشجویان با وابستگی پائین به همسر یکسان نیست. به طوری که بی‌رمقی زناشویی دانشجویانی که داری وابستگی پائینی به همسر هستند، کمتر از دانشجویانی است که وابستگی بالایی به همسر خود دارند. جنسیت به تنها بی‌رمقی زناشویی دانشجویان متأهل تأثیر ندارد؛ بدین معنی که دلزدگی زناشویی دانشجویان متأهل زن و مرد نسبتاً می‌تواند به یک تراز باشد. وابستگی خاص به همسر و جنسیت بر دلزدگی زناشویی دانشجویان متأهل تأثیر تعاملی دارد؛ بدین معنی که نقش وابستگی خاص به همسر و جنسیت بر دلزدگی زناشویی دانشجویان متأهل زن، بیشتر از دانشجویان متأهل مرد است.

در این راستا مرور پژوهش‌ها نشان از آن دارد کمتر پژوهش نقش وابستگی خاص به همسر را در بی‌رمقی زناشویی بررسی نموده‌اند. در یکی از این محدود پژوهش‌ها و همسو با یافته‌های این پژوهش، بختیار پور و عامری (۱۳۸۸) در تحقیق خود نقش وابستگی خاص به همسر و باورهای غیرمنطقی را در بی‌رمقی زناشویی بررسی نمودند، نشان دادند که میان وابستگی خاص به همسر و باورهای غیرمنطقی با بی‌رمقی زناشویی دیران رابطه مثبت معنی دار وجود دارد.

بالور^۱ (۲۰۰۷) نیز در پژوهش خود دریافت هم تفکرات بی‌رمقی و هم رفتارهای بی‌رمقی به طرز مثبتی با تفکرات و باورهای غیرمنطقی همبسته بود. کارناوال (۲۰۰۷) در پژوهشی که به منظور بررسی دلزدگی و وابستگی انجام گرفت، مشخص نمود وابستگی در بی‌رمقی زوجین نقش دارد. وقتی توقعات عاشقانه محقق

1. Balver

نشوند، احساس سرخوردگی مستقیماً به همسر نسبت داده، می‌شود و سبب تحلیل رفتن عشق و تعهد می‌شود و بی‌رمقی جایگزین عشق می‌شود. بی‌رمقی زناشویی یک حالت دردناک فرسودگی جسمی، عاطفی و روانی است و کسانی را که توقع دارند عشق رؤایایی و ازدواج به زندگی شان معنا بیخشد را متأثر می‌سازد. بی‌رمقی هنگامی بروز می‌کند که آن‌ها متوجه می‌شوند که علی‌رغم تمام تلاش‌هایشان، رابطه‌شان به زندگی معنا نداده و نخواهد داد (سودانی، دهقان‌زاده، ۱۳۹۲). بی‌رمقی زناشویی که ناشی از عدم تناسب میان انتظارات و واقعیت است و تراز آن به تراز سازگاری زوجین و باورهایشان بستگی دارد، امری تدریجی است و به ندرت ناگهانی اتفاق می‌افتد (اسدی، منصور، خدابخشی و فتح‌آبادی، ۱۳۹۲)؛ بنابراین یکی از عوامل مهم در بروز بی‌رمقی زناشویی، عدم پاسخگویی به توقعات و ارضاء نیازهای زوجین است.

همچنین وابستگی شدید به‌ویژه در روابط با همسر می‌تواند بهمثابه هر نوع رنج و آشتگی‌ای تعریف شود که از تمکز و توجه فرد بر نیازها و رفتار دیگران ناشی می‌شود و یا بهنوعی در ارتباط با نیازها و رفتار دیگران است (لوینگستون، ۲۰۰۸). افراد وابسته به دیگران و در رابطه با همسر به همسر اجازه می‌دهد با سوء رفتارش بر او تأثیر گذاشته و میل وسوسات گونه‌ای برای کنترل و تغییر دادن در او ایجاد کند (سیمونز‌سلف، ۲۰۱۰). از طرفی این زوجین احساس خوشحالی و رضایت از زندگی نمی‌کنند، به دنبال خوشبختی در دنیای پیرون از خود حقیقی اشان هستند و با نامیدی در جست‌وجوی تائید و محبت هستند (بیتی، ۱۳۸۸). بدین ترتیب با توجه به اینکه پیشتر مطرح گردید عدم پاسخگویی به توقعات و ارضاء نیازهای زوجین از جمله عوامل اصلی بی‌رمقی زناشویی است، می‌توان عنوان داشت که زوجین وابسته بر نیازها و خواسته‌های همسر خود توجه افراطی نشان داده و از خواسته‌های خود معمولاً می‌گذرند، ولی معمولاً بازخورد مناسبی از همسر خود دریافت نمایند و درنتیجه احساس خشم و نفرت زیادی را تجربه می‌نمایند و بدین‌سان یک ارتباط سالم و مؤثر میان فردی در رابطه این زوج‌ها شکل نمی‌گیرد که این ناکامی خود می‌تواند تبیین کننده بی‌رمقی بیشتر دانشجویان متأهل از رابطه با همسر خود باشد.

از طرفی در رابطه با این یافته که تأثیر وابستگی خاص به همسر بر بی‌رمقی زناشویی در زنان متأهل پیشتر می‌باشد، می‌توان نمود احتمالاً زنان همراه با وابستگی خاصی به همسر خود دارند پیشتر انتظار دارند که از سوی همسر مورد مراقبت قرار گیرند، همسرشان پیشتر از ایشان حمایت نماید و و مورد یاری قرار بگیرند، همسران اشان تکیه گاه همیشگی ایشان باشد و این زنان نیاز به چسبندگی بیش از اندازه‌ای به همسر خود

دارند که همه این موارد به تپ رفتاری مردان که کمتر می‌توانند این نیازها و انتظارات را برآورده سازند، این زنان دچار ناکامی شده و درنتیجه بی‌رمقی ییشتری را تجربه می‌نمایند.

محدودیت‌های پژوهش: در مورد تعییم نتایج به جامعه‌های آماری دیگر باید جوانب احتیاط را در نظر گرفت، چون این پژوهش فقط بر روی گروه دانشجویان متاهل صورت گرفته است. تداخل سایر عوامل شخصیتی و روان‌شناختی در نتایج پژوهش و عدم کنترل نقش عوامل مزاحم و تداخل کننده‌ای چون ویژگی‌های شخصیتی، حمایت اجتماعی و ... از دیگر محدودیت‌های این پژوهش است. اندک بودن بررسی‌های انجام‌شده در این زمینه در ایران و خارج از کشور و نیز محدودیت دسترسی به این منابع پژوهشگر را در مقایسه یافته‌های این پژوهش با سایر یافته‌ها با مشکل مواجه کرد.

پیشنهاد‌ها: پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های آینده و در غالب طرح‌های معادلات ساختاری نقش سایر عوامل شخصیتی و روان‌شناختی در رابطه با نقش وابستگی خاص به همسر در احساس گرفتاری و بی‌رمقی زناشویی موردنبررسی قرار گیرد تا بتوان شناخت دقیق‌تری از نقش وابستگی خاص به همسر در احساس گرفتاری و بی‌رمقی زناشویی به دست آورد. پیشنهاد می‌گردد پژوهش‌های آینده طرح‌های کیفی و کمی را در کنار هم قرار دهد تا بتواند بر غنای اطلاعات دریافتی از سوی دانشجویان بیفزاید و با تلفیق این داده‌ها، بتوان شناخت بهتری از تأثیر وابستگی خاص به همسر در احساس گرفتاری و بی‌رمقی زناشویی به دست آورد.

سپاسگزاری و قدردانی: از مسئولین دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم و ساوه که در انجام این پایان‌نامه کارشناسی ارشد همکاری‌های لازم را مبذول داشته‌اند کمال تشکر را داریم. از تمامی دانشجویان که با حوصله در پر کردن پرسشنامه‌ها صبوری نمودند سپاسگزاری می‌کنیم.

منابع

اسدی، عدالت؛ منصور، لادن؛ خدابخشی کولاچی، آناهیتا؛ فتح‌آبادی، جلیل. (۱۳۹۲). بررسی رابطه میان دل‌زدگی زناشویی، باورهای بدکاری جنسی و احقاد جنسی در زنان دارای همسر مبتلا به دیابت و مقایسه آن با زنان دارای همسر غیر مبتلا. *خانواده پژوهی*، ۹(۳۵)، ۳۲۴-۳۱۱.

اشرف، محمدحسین. (۱۳۸۸). ارائه مدل هموابستگی بر اساس ویژگی‌های همسران افراد معتاد به مواد مخدر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبائی.

بختیار پور، سعید و عامری، زینب. (۱۳۸۸). رابطه میان وابستگی خاص نسبت به همسر و باورهای غیرمنطقی و دلزدگی زناشویی در دیبران متأهل اهواز. یافته‌های نو در روانشناسی، ۴(۱۰)، ۷۰-۵۳.

بختیار پور، سعید، نادری، فرح و عامری، زینب. (۱۳۸۸). رابطه وابستگی خاص نسبت به همسر و سلامت روان در دیبران اهواز. زن و فرهنگ، ۲(۱)، ۹۲-۷۳.

بیتی، ملوکی. (۱۳۸۸). هموابستگی دیگر پس است. ترجمه حسام الدین معصومیان شرقی. نشر: معصومیان شرقی پاییز، آیال‌مالاچ. (۲۰۰۶). دلزدگی از روابط زناشویی. ترجمه سید حبیب گوهری راد و کامران افشاری. (۱۳۹۲).

تهران: انتشارات رادمهر.

پائیز، آیال ماج. (۱۹۹۶). چه کنیم تا عشق رؤیایی به دلزدگی نینجامد. ترجمه شاداب، فاطمه، تهران، انتشارات قدس.

سودانی، منصور. دهقانی، مصطفی. دهقانزاده، زهرا. (۱۳۹۲). اثربخشی آموزش تحلیل ارتباط محاوره‌ای بر دلزدگی زناشویی و کیفیت زندگی زوجین. مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۲(۲)، ۱۶۰-۱۸۰.

قرمانی، امیر، سیادتیان، حسین، پیشداد، روح‌الله. (۱۳۹۲). ارزیابی روانی و پایابی سنجه گرفتاری در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان. مجله دانشگاه علوم پزشکی قم، ۶(۶)، ۵۴-۶۱.

یانگ، جفری؛ کلوسکو، ژانت و ویشار، مارجوری. (۲۰۰۳). طرح‌واره درمانی: راهنمای کاربردی برای متخصصان بالینی. ترجمه‌ی حسن حمید پور و زهرا اندوز (۱۳۸۸)، چاپ اول، تهران: انتشارات ارجمند.

نعمی، سامیه. (۱۳۹۱). رابطه دلزدگی زناشویی، رابطه صمیمی با همسر، تعارضات زناشویی با خشونت علیه زنان شهر/ایلام. پایان‌نامه چاپ‌نشده کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی. دانشگاه آزاد اسلامی شهر اهواز.

نویدی، فاطمه. (۱۳۸۴). بررسی و مقایسه رابطه دلزدگی زناشویی با عوامل جویاگری در کارکنان ادارات آموزش و پرورش و پرستاران بیمارستان‌های شهر تهران. پایان‌نامه چاپ‌نشده کارشناسی ارشد در رشته مشاوره. دانشگاه شهید بهشتی.

References

Arnold, W.D, Elsheikh B.H. (2013). Entrapment neuropathies. *Neurol Clin.*; 31(2):405-24.

Balver, R. (2007). Professional nursing Burnout and Irrational Thinking. *Journal article springer*, 12, 123-125.

Beattie,m. (2008).*codependency portage path behavioral health*. Web Sit:www.potagepatt.org

- Duggan, A. (2010). *Codependency as an influence on control strategies and Relational satisfaction in couples including one Depressed Individual*. Paper presented at the annual meeting of the International Communication Association, TBA, and San Francisco, CA.
- Gilbert, P., & Allan S. (2008). The role of defeat and entrapment (arrested flight) in depression: An exploration of an evolutionary view. *Psychol Med May*; 28(3):585-98.
- Livingston, A. (2008). Assessing codependency in student athletes at division i historically black colleges and university, *UMI dissertation publishing, copyright by ProQuest*.
- Maeda Naoki, Nagatomo, Tanaka Yoko and Miura Hiroko. (2010). Codependency and Mental Health in social welfare students. *Journal of Kyushu University of health and welfare*, 8:79-87.
- Pinez, A. M. (2006). Couples burnout: courses and cures. London rout ledge, 32, 1-27.
- Rathus H. and O'Leary, K. D (1997). Spouse-specific dependency scale: scale development, *Journal of Family Violence*, 12(2), 159–168.
- Susan (2009) women emotional dependence on men: scale. *Journal Psychiatry* 199-289.
- Simmons self, J. (2010). Codependency among nurses: A comparison by substance use disorder and other selected variable, *UMI dissertation publishing, copyright by ProQuest*.
- Trachsel M, Krieger T, Gilbert P, Grosse Holtforth M. (2010). Testing a German adaption of the entrapment scale and assessing the relation to depression. *Depress Res Treat*, 20(10):501782.
- Taylor PJ, Gooding A, Wood AM, Johnson J, Pratt D, Tarrier N(2010). Defeat and entrapment in schizophrenia: The relationship with suicidal ideation and positive psychotic symptoms. *Psychiatry Res*;178 (2):244-8.
- Taylor PJ, Wood AM, Gooding P, Tarrier N. Appraisals and suicidality: The mediating role of defeat and entrapment. *Arch Suicide Res* 2010; 14(3):236-47
- Trachsel M, Krieger T, Gilbert P, Grosse Holtforth M. (2010). Testing a german adaption of the entrapment scale and assessing the relation to depression. *Depress Res Treat* 220(10):501782.
- Williams JM, Ellis NC, Tyers C, Healy H, Rose G, MacLeod AK. (2005).The specificity of autobiographical memory and image ability of the future. *Mem Cognit*; 24(1):116-25.
- Young, J. E., Rygh, J. L., Weinberger, A. D., & Beck, A. T. (2008). Cognitive therapy for depression. In D. H. Barlow (Ed.).*Clinical handbook of psychological disorders* (pp. 250-306). New York: Guilford Press.

References (In Persian)

- Asadi, E, Mansour, L; Koolai, Khodabakhshi, A, Fath Abadi, G. (2013). The Relationship Between Couple Burnout, Sexual Assertiveness, and Sexual Dysfunctional Beliefs in Women With Diabetic Husbands and Comparing Them With Women With Non-Diabetic Husbands. *Family research*, 9 (35), 324-311.
- Ashraf, M H. (2009). *Providing a dependency model based on the characteristics of the wives of drug addicts*. Master's Thesis. Allameh Tabatabaei University.
- Bakhtiyarpour, S and Ameri, Z. (2009). Relationship between spouse-specific dependency and irrational beliefs and Couples burnout in married teachers in Ahvaz. *New Findings in Psychology*, 4 (10), 70-53.
- Bhakkidpour, S, Naderi, F and Ameri, Z. (2009). Relation Between spouse-specific dependency and Mental Health in Ahwaz Teachers. *Woman and Culture*, 1 (2), 92-73.3.
- Biti,M. (2009). *There is also enough dependency*. Translation of Hesam al-Din Masomian Sharghi. Publication: Masomian Sharghi.
- Pines, A, M (2006). *Burnout of marital relationships*. Translation by Seyyed Habib Gohari Rad and Kamran Afshari (1392). Tehran: Radmehr Publications.
- Pines, A, Mh(2006). Keeping the Spark Alive: *Preventing Burnout in Love and Marriage* translation by Fatemeh Shadab, Tehran: Ghods publications.
- Soodani,M¹ Dehghani,M² Dehghanizadeh, Z(2013). The Effectiveness of Transactional Analysis Training on Couple's Burnout and Quality of Couple's Life, *Family counseling and psychotherapy*, 3(2). 160-180.
- Ghamarani, A; Siadatian, H; Pishdad, R (2014). An Investigation of Validity and Reliability of Entrapment Scale in the Students of Isfahan University of Medical Sciences, *Qom University of Medical Sciences Journal*, 7(6), 54-61.
- Young, J, Klosko, E., Janet S., and Marjorie E. Weishaar. (2003). *schema Therapy: A Practitioner's Guide*, Translated by Hasan Hamidpour and Zahra Endouz (2009). First Edition. Tehran: Arjmand Publication.
- Naeem, S (2012). *Relationship between couple burnout, intimate relationship with the wife, marital conflicts with violence against women in the city of Ilam*. Unpublished Thesis Undergraduate Psychology. Islamic Azad University of Ahwaz.
- Navidi, F. (2005). *Investigation and comparison of the relationship between couple burnout and organizational climate factors among staff of educational departments and nurses of Tehran hospitals*. Undergraduate Master's Thesis in Counseling. Shahid Beheshti University.